



نشر مند

Quentin Skinner  
*Machiavelli*  
Oxford University Press, 2000

---

Skinner, Quentin	اسکیتیر، کوئنتین، ۱۹۴۰ - م.	سرشناسه:
	ماکیاویلی، کوئنتین اسکیتیر، ترجمه‌ی عزت‌الله فولادوند	عنوان و پدیدآور:
	تهران، مؤسسه‌ی فرهنگی هنری خانه‌ی هنرمد، ۱۴۰۴	مشخصات نشر:
	۱۲۸ ص: ۲۱×۱۳/۵ س. م.	مشخصات ظاهری:
	۹۷۸-۶۲۲-۵۳۸۵-۱-۸	شابک:
	فیبیا	وضعیت فهرست‌نویسی:
<i>Machiavelli</i> , 2000	عنوان اصلی:	یادداشت:
	ماکیاویلی، نیکولو، ۱۴۶۹-۱۵۲۷ م.	موضوع:
	اندیشمندان علوم سیاسی، سرگذشت‌نامه	موضوع:
	فولادوند، عزت‌الله، ۱۳۱۴ - م. مترجم	شناسه‌ی افزوده:
	JC۱۴۳	رده‌بندی کنگره:
	۳۲۰/۱۰۹۲	رده‌بندی دیویی:
	۱۰۱۱۰۱۷۲	شماره‌ی کتابشناسی ملی:

---



نشرمد

کوننتین اسکینر  
عزت الله فولادوند

# ماکیاوی MACHIAVELLI

# ماکیا ولی

نویسنده  
مترجم  
ویراستار

کوئنتین اسکینر  
عزت‌الله فولادوند  
مهدی نوری

چاپ اول  
تیراژ

تابستان ۱۴۰۵  
۵۰۰ نسخه

صفحه‌آرایی  
طراحی جلد  
مدیر تولید

محمدتقی بابایی  
فاطمه حاتمی  
مصطفی شریفی

شابک ۹۷۸-۶۲۲-۵۳۸۵-۱-۸

همه‌ی حقوق این اثر متعلق به مؤسسه‌ی فرهنگی هنری خانه‌ی هنرمد است.



نشرمد

تهران، خیابان کریمخان زند، خیابان خردمند جنوبی، کوچه‌ی وفایی ورمزآبادی، پلاک ۱  
تلفن: ۸۸۳۲۸۶۸۸

## فهرست

۷	یادداشت مترجم
۱۱	دیباچه
۱۵	مقدمه
۱۷	ماکیاولی در مقام دیپلمات
۳۹	رایزن شهریاران
۷۳	فیلسوف آزادی
۱۰۹	نگارنده تاریخ فلورانس
۱۲۳	آثار ماکیاولی
۱۲۵	نمایه



## یادداشت مترجم<sup>۱</sup>

گمان نمی‌کنم کتابی خوشخوان و روان که به شناساندن و بازنمودن اندیشه‌های نویسنده‌ای فصیح مانند ماکیاولی اختصاص دارد نیازمند معرفی و بازنمایی باشد. ماکیاولی در اندیشه سیاسی انقلاب کرد و یکی از بنیادگذاران فلسفه جدید سیاسی به شمار می‌رود. آنچه را دیگران در طول قرون و اعصار کرده بودند و هنوز می‌کنند ولی نگفته بودند و هنوز هم نمی‌گویند زیرا خلاف پارسانمایی و جاهت ملی است، او با نظری موشکاف و شجاعتی بی‌مانند و صراحتی بی‌نظیر گفته است. از این رو، فاش‌گویی و وضوح بیان از لوازم کار اوست. شارح اندیشه‌های وی در این کتاب، پروفیسور کوئنتین اسکینر، استاد علوم سیاسی دانشگاه کیمبریج، نیز چه از این جهت و چه از حیث احاطه بر موضوع بحث کم‌تر از وی نیست. من اگر توانسته باشم قدرت سخن متفکر و مفسر را به خوانندگان فارسی‌زبان منتقل کنم، در کارم موفق شده‌ام.

درباره ماکیاولی نه کتاب‌ها، بلکه کتابخانه‌ها مطلب نوشته‌اند. اما تا جایی که می‌دانم، غیر از فصل‌هایی در بعضی کتاب‌های تاریخ فلسفه و فلسفه سیاسی (مانند تاریخ فلسفه غرب راسل و خداوندان اندیشه سیاسی) کتاب مستقلی در تحلیل و توضیح اندیشه‌های او به فارسی موجود نیست.<sup>۲</sup> تنها اثر او که به فارسی ترجمه شده کتاب معروف (و کوچک) شهریار است. شادروان محمود محمود

---

۱. کتاب حاضر ابتدا در مجموعه Past Masters در انتشارات آکسفورد به چاپ رسید و ترجمه فارسی نیز بر اساس همان نسخه انجام شد. بعدها پروفیسور اسکینر در متن کتاب بازنگری مختصری کرد و ویراست جدید این بار در مجموعه A Very Short Introduction انتشار یافت. در چاپ حاضر ترجمه فارسی، تغییرات و تصحیحات نویسنده لحاظ شده است.

۲. البته در فاصله نگارش این یادداشت تا زمان حاضر آثاری در باب اندیشه‌های ماکیاولی به فارسی انتشار یافته است.

نخستین بار در سال ۱۳۱۱ خورشیدی آن را به فارسی برگردانید و داریوش آشوری بار دوم پس از پنجاه و پنج سال در ۱۳۶۶. هر دو ترجمه خوب است، اما هر یک زبان و بیان عصر خود را دارد. اشکال بزرگ هر دو و هر ترجمه دیگری از این کتاب و دیگر نوشته‌های ما کیاولی (چه به فارسی و چه به زبان‌های دیگر) پیدا کردن معادل‌های خرسندکننده برای دو سه اصطلاح اساسی و بسیار مهم است و از همه مهم تر لفظ ایتالیایی «ویرتو». چنان‌که در ادامه خواهد آمد، اهمیت این اصطلاح به حدی است که نویسنده بخش بزرگی از کتاب حاضر را به واقع شرح و توضیح معنایی می‌داند که معتقد است ما کیاولی از این لفظ اراده می‌کرده است. خود او با همه تسلطی که به زبان ایتالیایی و افکار ما کیاولی دارد، به این جا که رسیده به اصطلاح ما سیر انداخته و صلاح دیده است برای پرهیز از بدفهمی و سوء تعبیر همان اصل ایتالیایی واژه را در انگلیسی به کار ببرد. من نیز چاره‌ای نداشتم جز این‌که در ترجمه فارسی از او پیروی کنم. یقین دارم خواننده نکته‌سنج هر چه بیش تر پیش برود، معنا را بهتر در خواهد یافت و در پایان کتاب شاید دیگر از این بابت گله‌ای نداشته باشد و حق را به نویسنده و به تبع او به مترجم فارسی بدهد. اما برای این‌که زمینه‌ای به منظور درک بهتر این اصطلاح کلیدی به دست داده باشم، اجمالاً به چند نکته درباره آن اشاره می‌کنم.

واژه ویرتوس (virtus) در لاتین (که ویرتو (virtu) در ایتالیایی از آن گرفته شده) برگردان لفظ یونانی آره‌ته (areté) است و از کلمه لاتین ویر (vir) به معنای «مرد» مشتق می‌شود. در زبان لاتین، توسعاً گاهی معانی دیگری نیز از «ویر» اراده می‌شده است، مانند «شوهر» (در آثار شاعر بزرگ رومی، اووید) یا «مرد مردستان» یا «شیرمرد» (در سیسرون) یا «جنگاور» (در لیویوس). معنایی که ما کیاولی از ویرتو اراده می‌کند بیش تر نزدیک به این دو معنای اخیر است، هر چند عین آن‌ها نیست. معادل انگلیسی یا فرانسه ویرتوس غالباً در فارسی «فضیلت» و گاهی «عفت» و «پرهیزگاری» و «تقوا» ترجمه می‌شود که ملتزم معانی اخلاقی و احیاناً مذهبی است و گاه (از جمله در ما کیاولی) مغایر با مقصود است. ممکن است همچنین آن را «کمال»، «هنر»، «بزرگی»، «نیرو» و (به اعتبار ریشه لغت) «مردانگی» ترجمه کرد. اما، چنان‌که دیده خواهد شد،

ما کیاولی گاهی حتی از وجود ویرتو در قوانین و نهادهای کشور سخن می‌گوید که در آن صورت استعمال واژه «مردانگی» نایجاست.

من برای این‌که ببینم مترجمان ما، محمود و آشوری، چگونه این واژه را در کتاب شهریار به فارسی برگردانیده‌اند، به ترجمه هر دو مراجعه کردم. نتیجه‌ای که در چند فقره مهم به دست آوردم چنین بود: محمود (به ترتیب در صفحات ۳۸، ۱۲۶ و ۱۳۲) «لیاقت و استعداد»، «استعداد فطری و لیاقت ذاتی»، «پاکدامنی»؛ آشوری (به ترتیب در صفحات ۴۴، ۱۱۲ و ۱۱۶) «توانایی»، «قدرت بازو»، «دلیری». همه این معادل‌ها گوشه‌هایی از حد صدق ویرتو را در بر می‌گیرند، بی آن‌که به تمامی با آن مطابقت داشته باشند. با این همه، باید بیفزاییم که گناه از مترجمان ما نیست. در یکی از ترجمه‌های انگلیسی شهریار که نزد من است،<sup>۱</sup> در همان سه جا، از ویرتو در دو نمونه نخست به ability و در سومی به power تعبیر شده است. بنابراین، شاید کار مترجمان ما از کار این مترجم انگلیسی بهتر باشد. پس می‌بینیم که حق با پروفیسور اسکینر بوده است که همه جا اصل واژه را به لاتین یا ایتالیایی به کار برده و گذاشته است خواننده خود معنا را با مطالعه متن در یابد.

آخرین نکته این‌که میل داشتم هنگامی که مطالبی از شهریار نقل می‌شود، عین عبارت‌ها را از یکی از دو ترجمه فارسی آن بیاورم. اما ترجمه انگلیسی‌ای که نویسنده از آن بهره برده (و او گرچه از آن با ستایش یاد می‌کند، به گفته خودش بعضی تغییرها در آن داده است) غیر از ترجمه‌هایی است که محمود یا آشوری اساس قرار داده‌اند و بنابراین، اگر می‌خواستم از کار این دو استفاده کنم (صرف نظر از پاره‌ای اشکال‌های دیگر)، مطلب با آنچه نویسنده نقل کرده است تفاوت آشکار پیدا می‌کرد. (شاید این هم دلیل اضافی دیگری باشد که کسی سرانجام دامن همت به کمر بزند و شهریار را این بار از اصل ایتالیایی به فارسی برگرداند تا در آینده دست‌کم این مشکل خاص برطرف شود).

و اما، چنان‌که دیده خواهد شد، اثر پخته و مفصل و جامع ماکیاولی در فلسفه سیاسی کتاب گفتارهای اوست که با کمال تأسف هنوز ترجمه‌ای به فارسی

1. *The Prince*, translated from the Italian by Luigi Ricci, revised by E. R. P. Vincent, in Niccolo Machiavelli, *The Prince and the Discourses*, Modern Library, New York: 1940.

از آن در دست نداریم. من گمان می‌کنم با علاقه‌ای که به فکر سیاسی در روشنفکران ما دیده می‌شود، به یقین هنگام ترجمه آن فرا رسیده است.<sup>۱</sup> شهریار کتابی درخشان است، ولی برای اندرز به شهریاران و به ویژه فرمانروای وقت و بنابراین با رعایت جوانب احتیاط و در نظر داشتن لزوم خودداری از مکدر ساختن خاطر شاهانه نوشته شده است. اما در گفتارها از چنین ملاحظاتی خبری نیست. ماکیاولی در این کتاب استاد کهنه کار و واقعه‌دیده‌ای است که از هر تیری در ترکش زیرکی و درایت و واقع‌بینی و شهامت در دفاع از میهن و آزادی و سربلندی و استقلال آن بهره می‌گیرد و محققاً این نوشته‌ای نیست که مردمی همچون ما (صرف نظر از هر اختلاف عقیده‌ای که ممکن است با ماکیاولی داشته باشیم که مسلماً داریم) با این همه ابتلائات از آن چشم پوشیم و به خود زیان نرسانیم. من خود، با در نظر داشتن چنین نکاتی، ترجمه این کتاب را به روان نخستین مترجم ماکیاولی به فارسی، مرحوم محمود محمود، پیشکش می‌کنم که متأسفانه هرگز توفیق دیدار او را نداشتم.

عزت‌الله فولادوند

مهرماه ۱۳۷۱

۱. خوشبختانه مرحوم محمدحسن لطفی در سال ۱۳۷۷ کتاب گفتارها را به فارسی برگرداند و این کمبود را جبران کرد. روانش شاد.